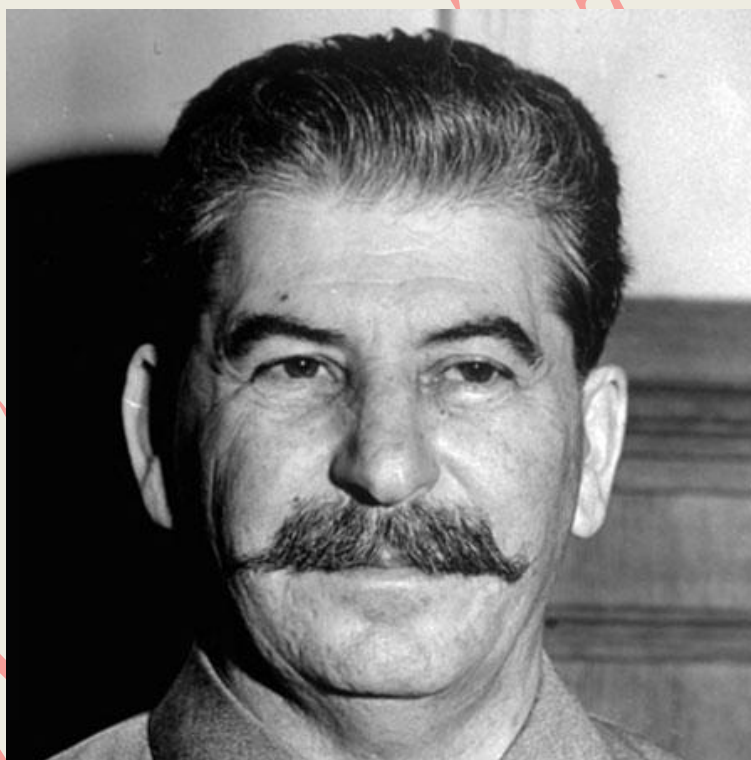


درباره مبتذل کردن شعار انتقاد از خود

ژوزف استالین



درباره مبتذل کردن شعار انتقاد از خود (*)

این مقاله اولین بار در پراودا به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۲۸ منتشر شده است.

(کلیات آثار - انگلیسی - چاپ مسکو - ص ۱۴۴-۱۳۳)

شعار انتقاد از خود را ناپیوستگی به عنوان یک مسئله لحظه‌ای و زودگذر مورد توصیه قرار داد. انتقاد از خود، یک روش بلشویکی است. روشی است برای تربیت نیروهای حزب و طبقه کارگر در جهت به وجود آوردن و تقویت روحیه انقلابی برای پیشبرد امر انقلاب. مارکس، خود، درباره انتقاد از خود به عنوان یک متد برای تقویت و استحکام انقلاب کارگری صحبت کرد. (۱) پیدایش شعار انتقاد از خود در درون حزب همزمان با دوران به وجود آمدن حزب بلشویک در داخل کشور به عنوان یک گرایش مشخص در جنبش کارگری می‌باشد.

ما به خاطر داریم که از بهار سال ۱۹۰۴ تا زمانیکه حزب بلشویک هنوز یک حزب مستقل سیاسی نبود، بلکه با منشویکها در داخل یک حزب سوسیال دمکرات فعالیت می‌کرد؛ لنین حزب را به "انتقاد از خود در افشاگری بیرحمانه کمبدهای خود" دعوت کرد. در رساله خود، "یک گام به پیش دو گام به پس" لنین چنین نوشت: "آن‌ها (دشمنان مارکسیستها - ژ. استالین) به مجادلات ما با خوشحالی موفقیت‌آمیزی نگاه می‌کنند و البته سعی خواهند کرد که قطعاتی از آن قسمت جزوه من را که درباره اشتباهات و کمبدهای حزب ما است انتخاب کرده و آنرا برای مقاصد خود به کار برند. حزب سوسیال دموکرات روسیه در میدان نبرد به قدر کافی آبدیده شده است که ترسی از فعالیتهای این محرکین ندارد. حزب ما علیرغم این عناصر، به کار انتقاد از خود و افشاگری بیرحمانه کمبدهای خود (تأکید از ژ. استالین) ادامه خواهد داد. این کمبدها بدون شک با رشد جنبش کارگری از بین خواهند رفت. اما بگذار این آقایان مخالفین ما، صورت جلسه‌ای به دقتی صورت جلسه‌های حزب سوسیال دمکرات درباره جریانات احزاب خودشان در اختیار ما بگذارند". (۲)

به این ترتیب آن رفقائی که تصور می‌کنند انتقاد از خود یک پدیده زودگذر بوده و بزودی از بین خواهد رفت مطلقاً اشتباه می‌کنند. در حقیقت انتقاد از خود، یک سلاح ضروری و دائمی در قورخانه بلشویسم و با جوهر انقلابی آن رابطه‌ای نزدیک دارد.

بعضی مواقع گفته می‌شود که انتقاد از خود فقط برای حزبی که هنوز به قدرت نرسیده شیوه مناسبی است، چون حزب "هنوز چیزی ندارد که از دست بدهد" ولی برای حزبی که به قدرت رسیده و توسط متخاصمین محاصره شده است شیوه خطرناکی می‌باشد، زیرا نقاط ضعف افشاءشده حزب ممکن است مورد استفاده دشمن قرار بگیرد.

این صحیح نیست. در حقیقت کاملاً نادرست بوده و جریان کاملاً برعکس است، درست به خاطر اینکه بلشویسم به قدرت رسیده است. درست به خاطر اینکه بلشویسم ممکن است به علت موفقیت در امر ساختمان جامعه، از خود راضی شود. درست به خاطر اینکه بلشویسم ممکن است نقاط ضعف خود را تشخیص ندهد و راه را برای ضربه دشمن آسانتر کند، انتقاد از خود خصوصاً اکنون که حزب قدرت را به دست گرفته ضروری است.

با قبول اینکه هدف از انتقاد از خود، این است که اشتباهات و نقطه ضعفهای ما را فاش ساخته و آنها را حذف نماید، آیا این واضح نیست که در شرائط دیکتاتوری پرولتاریا چنین شیوه‌هایی ستیز بلشویسم را علیه دشمنان طبقه کارگر آسانتر می‌نماید. لنین با در نظر گرفتن شرائط مشخص دوران بعد از اینکه بلشویکها قدرت را به دست گرفته بودند در آوریل و مه ۱۹۲۰ در جزوه خود، "چپ روی، بیماری کودکی در کمونیسم" چنین نوشت: "برخورد یک حزب سیاسی نسبت به اشتباهات خود یکی از مهمترین معیارها برای سنجش ارزیابی یک حزب است. با استفاده از این معیار می‌توان تعیین کرد که یک حزب تا چه اندازه جدی است و چگونه در عمل وظایف خود را نسبت به طبقه و توده‌های ستمکش انجام می‌دهد. قبول اشتباهات بدون پرده‌پوشی (تأکید از ژ. استالین)، تحقیق برای شناخت علل اشتباه، تجزیه و تحلیل شرائط و عللی که منجر به وجود آمدن این اشتباهات شدند، بحث کلی و همه‌جانبه برای اصلاح اشتباهات؛ این است صفات یک حزب جدی. این است شیوه‌ای که حزب باید طبقه خود و توده‌ها را مطابق آن آموزش دهد." (لنین - کلیات، جلد ۲۰ - ص ۲۰۰).

حق هزار بار با لنین بود وقتی که در مارچ ۱۹۲۲ در کنگره یازدهم حزب گفت: "پرولتاریا از قبول اینکه در این امر یا آن امر انقلاب موفق شده و در این امر و آن امر موفق نشده هیچ هراسی ندارد. تمام احزابی که تا به حال نابود شده‌اند به خاطر آن بوده که از خود راضی شده‌اند و قادر به درک پایه‌های قدرت خود نبوده و از بحث درباره نقاط ضعف خود می‌هراسید. (تأکید از ژ. استالین) ولی ما نابود نخواهیم شد چون از اظهار اشتباهات خود بیم و هراسی نداریم؛ ما می‌خواهیم بیاموزیم که چگونه بر اشتباهات خود غالب شویم." (لنین - کلیات، جلد ۲۷ - ص ۲۶۱ - ۲۶۰)

دراین رابطه فقط یک جمع‌بندی صحیح وجود دارد و آن این است که بدون انتقاد از خود، تعلیم و تربیت مناسبی برای حزب و طبقه و توده‌ها وجود نخواهد داشت. بدون تعلیم و تربیت مناسب در حزب طبقه و توده‌ها، بلشویسم نمی‌تواند وجود داشته باشد.

چرا شعار انتقاد از خود، در حال حاضر، در این لحظه تاریخ در سال ۱۹۲۸ اهمیت خاصی پیدا کرده است؟

به خاطر حاد شدن روزافزون روابط طبقاتی چه در سطح درونی و چه در سطح برون‌ی؛ حاد شدنی که امروزه از یک سال و دو سال پیش بارزتر و مُبرمتر می‌باشد. به خاطر اینکه فعالیتهای خرابکارانه دشمنان طبقاتی دولت شوروی که از نقاط ضعف و اشتباهات ما علیه طبقه کارگر روسیه استفاده می‌کنند، امروزه از یک سال و دو سال پیش بارزتر و مُبرمتر می‌شود. به خاطر اینکه ما نمی‌توانیم و نبایستی نسبت به تجارب "قضیه شاختی" (***) و "مانورهای مصادره" که توسط عناصر سرمایه‌داری اعمال شدند و توأم با اشتباهات خود ما در برنامه‌ریزی بودند، کم‌اهمیتی کنیم.

اگر ما می‌خواهیم انقلاب را استحکام بخشیم و با دشمنان با تمام قوا روبرو شویم بایستی هر چه زودتر و سریعتر اشتباهات و نقاط ضعف خود را که در "قضیه شاختی" و اتفاقات مصادره غله بروز کردند، از بین ببریم.

اگر ما نمی‌خواهیم به طور ناگهانی و بی‌خبر، از طریق "اتفاقها" و یا "ناآگاهی"های مختلف، به وسیله دشمنان طبقه غافلگیر شویم، باید هر چه زودتر و سریعتر آن اشتباهات و نقاط ضعفی را که تا به حال پوشیده مانده‌اند، ولی مطمئناً وجود دارند، بی‌پرده افشاء کنیم.

اگر ما در این کار تأخیر و کوتاهی کنیم، کار را برای دشمن آسانتر کرده و باعث افزایش اشتباهات و نقاط ضعف خود خواهیم شد. فقط در صورتی ضعیف نخواهیم شد و دشمن کارش آسانتر نخواهد بود که ما شعار انتقاد از خود را رشد و توسعه داده و توده‌های وسیع کارگری و دهقانی را در گیر امر تصحیح اشتباهات و تقویت نقاط ضعف خودمان کنیم.

بنابراین، قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی درباره جریانات "قضیه شاختی" کاملاً صحیح گفت که: "شرط اصلی انجام موفقیت آمیز اقدامات ذکرشده در یه کار بردن موثر (تأکید از ژ. استالین) شعار و دعوت انتقاد از خود کنگره یازدهم می‌باشد." (۲)

اما برای اینکه انتقاد از خود را توسعه دهیم، در درجه اول ما باید موانعی را که سد راه حزب می‌باشند از جا برداریم. این موانع شامل فرهنگ عقب افتاده توده‌ها، کمبود نیروهای فرهنگی پرولتاریای پیشنار، محافظه کاری خود، "غرور زیاده از حد کمونیستی" و غیره می‌باشد. اما یکی از جدی‌ترین و اساسی‌ترین موانع و شاید هم حتی اساسی‌ترین و جدی‌ترین مسئله، بوروکراسی دستگاه‌های ما است. من به عناصر بوروکراتی اشاره می‌کنم که به خاطر اشتباهات و نقاط ضعف ما به وجود آمده و ادامه حیات داده و فریه می‌شوند. عناصری که از قرار دادن کنترل کامل در دست توده‌ها و از انتقاد از طرف توده‌ها مانند طاعون هراس دارند. عناصری که مانع رشد شعار انتقاد از خود در میان ما شده و سد راه ما در از بین بردن نقاط ضعف و اشتباهات ما می‌باشد. بوروکراسی نباید فقط به عنوان مسئله‌ای پیش‌پا افتاده و نوعی کاغذپرانی استنباط شود. بوروکراسی، واکنش نفوذ گرایشات بورژوازی در سازمانهای ما می‌باشد. لنین به درستی خاطرنشان ساخت که: "ما باید بدانیم که مبارزه علیه بوروکراسی، کاملاً ضروری است؛ مبارزه‌ای است که به اندازه مبارزه علیه عناصر خرده‌بورژوازی، بفرنج می‌باشد.

بوروکراسی در دستگاه دولتی ما چنان مرضی شده که درباره آن در برنامه حزب صحبت شده؛ علت این امر همان رشد عناصر خرده‌بورژوازی و گرایش بوروکراتیک آنها می‌باشد. (تأکید از ژ. استالین) (لنین، کلیات، جلد ۲۶، ص ۲۲).

اگر ما واقعاً خواستار شعار انتقاد از خود هستیم، باید با سرسختی هر چه بیشتر، علیه عناصر بوروکرات سازمانها مبارزه کنیم و خود را از هر گونه انحراف در امر ساختمان جامعه، رهائی دهیم.

ما باید با پشتکار هر چه بیشتر، توده‌های وسیع کارگران و دهقانان را به امر انتقاد از پاسب و کنترل از پاسب به عنوان پادزهری علیه بوروکراسی آشنا سازیم. لنین به حق گفت: "اگر ما می‌خواهیم علیه بوروکراسی مبارزه کنیم، بایستی همکاری توده‌های وسیع را جلب کنیم. برای از بین بردن بوروکراسی چه راهی جز جلب همکاری کارگران و دهقانان وجود دارد؟" (تأکید از ژ. استالین) (لنین، کلیات، جلد ۲۵، ص ۴۹۶-۴۹۵).

اما برای "جلب همکاری" توده‌های وسیع، ما باید دموکراسی پرولتری را در تمام ارگانهای توده‌ای طبقه کارگر و مخصوصاً در داخل خود حزب برقرار سازیم. با شکست در این امر، شعار انتقاد از خود، کلماتی بی‌معنی و پوچ و توخالی بیش نخواهد بود.

ما به هر نوعی از انتقاد از خود، احتیاج نداریم؛ بلکه فقط به نوعی احتیاج داریم که سطح فرهنگی طبقه کارگر را بالا ببرد، حس مبارزه را در او افزایش دهد، ایمان او را به پیروزی راسخ‌تر نماید؛ نیروی او را تقویت بخشد و به او کمک کند که رهبری واقعی کشور را در دست گیرد.

بعضی‌ها می‌گویند که وقتی که انتقاد از خود، وجود دارد ما احتیاجی به انضباط کارگری نداریم ما می‌توانیم کار کردن را متوقف ساخته و وقت خود را تلف یک مشت حرفهای کودکانه درباره هر چیزی بکنیم. آن، انتقاد از خود نخواهد بود؛ بلکه توهینی به طبقه کارگر است. انتقاد از خود، برای این نیست که انضباط کارگری را از بین ببرد، بلکه برای استحکام آن به کار برده می‌شود. با انتقاد از خود، انضباط کارگری انضباطی آگاهانه شده و بدین‌ترتیب قادر به مبارزه علیه سُستی خرده‌بورژوازی می‌گردد.

دسته‌ای دیگر می‌گویند وقتی که انتقاد از خود وجود دارد، دیگر احتیاج به رهبری نیست. ما می‌توانیم زمام امور را رها کرده و بگذاریم اوضاع "سیر طبیعی خود را" طی کند. این انتقاد از خود نیست که رهبری را ضعیف کنیم، بلکه برای تقویت آن است؛ برای این است که رهبری کاغذی و کم‌قدرت را به یک رهبری بالیافت فعال، مسئول و پُر قدرت، تبدیل نمائیم.

اما یک نوع انتقاد از خود دیگر نیز وجود دارد. این انتقاد از خودی است که سعی دارد روحیه طبقه کارگر را خراب کرده و حکومت شوروی را بی‌اعتبار کند. انتقاد از خودی است که سازندگی ما را تضعیف می‌کند و سعی دارد کادرهای مسئول کارهای اقتصادی را به فساد بکشاند. انتقاد از خودی است که صحبت از انحطاط کرده و طبقه کارگر را خلع سلاح می‌نماید. این درست همان انتقاد از خودی بود که دار و دسته تروتسکی سعی داشتند در همین اواخر به ما تحمیل کنند. لازم به تذکر نیست که حزب ما با این نوع "انتقاد از خود"، هیچ‌نوع وجه اشتراکی ندارد. لازم به تذکر نیست که حزب ما با این نوع "انتقاد از خود"، با تمام اراده و قوا مبارزه خواهد کرد.

ما باید مرز دقیقی بین این نوع "انتقاد از خود" که با ما کاملاً بیگانه بود و مخرب و ضدبلاشویکی می‌باشد و انتقاد از خود بلاشویکی ما، که روحیه حزب را تقویت می‌بخشد، وحدت رژیم شوروی را مستحکم می‌نماید، کار سازندگی ما را توسعه می‌بخشد، کادرهای مسئول کارهای اقتصادی را در کارهای خود استوارتر نموده و بالاخره طبقه کارگر را مسلح می‌نماید، بکشیم.

مبارزه ما برای تحکیم شعار انتقاد از خود، فقط چند ماه پیش شروع گردید. ما هنوز اطلاعات لازمه را برای جمع‌بندی نتایج این مبارزه در دست نداریم. آنچه به راحتی می‌توان گفت این است که این مبارزه شروع به دادن نتایج مثبت کرده است.

نمی‌توان نادیده گرفت که شعار انتقاد از خود، موج‌وار، توده‌های وسیع کارگری و دهقانی را در امر ساختمان سوسیالیسم درگیر نموده است.

صحت این امر را می‌توان در احیاء کنفرانسهای تولیدی و کمیسیونهای موقتی کنترل، به راحتی دید.

البته هنوز سعی می‌شود که درخواستها و پیشنهادهای رسیدگی شده کنفرانسهای تولیدی و کمیسیون های کنترل موقتی، در کشوی میزها بایگانی شود. با چنین اقداماتی باید مبارزه بی‌امان کرد. برای اینکه منظور آنها دلسرد کردن طبقه کارگر از انتقاد از خود، می‌باشد. ولی کوچکترین شکی نیست که رشد روزافزون جنبش انتقاد از خود، چنین اقدامات بوروکراتیک را نابود خواهد ساخت. همچنین نمی‌توان نادیده گرفت که در نتیجه جنبش انتقاد از خود، مسئولین امور بازرگانی و تجارتی ما به خود آمده، سعی می‌نمایند در کارهای خود دقیقتر و مواظب‌تر باشند و به مسائل رهبری انتقادی برخورد جدی‌تر نشان دهند. در اثر همین جنبش، حزب ما، شوراهای واحدهای بازرگانی و تجارتی و اصولاً تمام کارمندان، نسبت به خواسته‌های توده‌ها حساسیت بیشتری پیدا کرده و در قبال توده‌ها حس مسئولیت بیشتری می‌کنند. درست است که نمی‌توان گفت که امروزه دموکراسی درونی حزب و دموکراسی طبقه کارگر به طور کامل در ارگانهای توده‌ای طبقه کارگر به وجود آمده است؛ ولی هیچ جای شکی نیست که با ادامه این جنبش، پیشرفتهای بیشتری در این زمینه حاصل خواهد شد. همچنین نمی‌توان نادیده گرفت که در نتیجه جنبش انتقاد از خود، مطبوعات ما با روح تازه‌تر و خلاق‌تری به کار ادامه می‌دهند و در عین حال، گروه‌های کارگران مطبوعات، مانند سازمان خبرنگاران کارگری و دهقانی به نیروی سیاسی پُرقدردنی تبدیل شده‌اند.

درست است که هنوز مطبوعات گاه‌گذاری به طور سطحی به مسائل برخورد می‌کنند و هنوز یاد نگرفته‌اند که به جای انتقاد سطحی و انفرادی، به انتقاد عمیق همه‌جانبه بپردازند و چگونه از انتقاد عمیق به جمع‌بندی عمومی درباره ثمرات جنبش کار سازندگی ما، که در نتیجه انتقاد بوده است برسند. جای شکی نیست که با ادامه جنبش انتقاد از خود، پیشرفتهای بیشتری در این زمینه حاصل خواهد شد.

ولی ما در حین بررسی جنبه‌های مثبت این مبارزه، لازم است که جنبه‌های منفی آنرا بررسی نمائیم. من به تحریقاتی که درباره شعار انتقاد از خود، شده است اشاره می‌کنم. ما اگر فوراً در برابر این تحریقات ایستادگی نکنیم، امکان دارد که کار به جریان خطرناک مبتذل کردن شعار انتقاد از خود، بکشد.

۱- در وحله اول باید توجه کرد که تعدادی از نشریات، این تمایل را نشان داده‌اند که مبارزه را از شکل انتقاد اصولی از قصور در امر ساختمان سوسیالیسم به فریادهای پُرطمطراق علیه افراد در زندگی شخصی تبدیل نمایند. این شاید باورکردنی نیست، ولی متأسفانه حقیقت است. برای مثال، نظری به شماره ۱۲۸ روزنامه ولا ست ترودا ارگان کمیته حزب ارکوئک اکروگ و کمیته اجرائیه شورای اکروگ ببیند. در آنجا یک صفحه پُر از شعارهایی پُرطمطراق مانند زیاده‌روی در امور جنسی یک انحراف بورژوازی، گیللاس پشت گیللاس مشروب، خانه خصوصی احتیاج به گاو خصوصی هم دارد، دزدان تخت دونفره، طرح شده است. سوالی که به نظر می‌رسد وجه مشترکی است که بین این "فریادهای" انتقادی که فقط به درد "بی رزووگا" (۴) می‌خورد و انتقاد از خود بلشویکی که هدف آن توسعه ساختمان سوسیالیستی است وجود دارد؟ خیلی امکان دارد که ناشر این مقالات پُرطمطراق، یک نفر کمونیست باشد و امکان هم دارد که این ناشر با تمام وجود از "دشمنان طبقاتی" حکومت شوروی نفرت دارد ولی در این شکی نیست که ندای او، ندای طبقه ما نیست.

۲- به علاوه باید توجه کرد که حتی بعضی ارگانهای مطبوعاتی که در کل فاقد شرایط لازمه برای انتقاد اصولی نیستند، آنها نیز به انتقادی که صرفاً به خاطر انتقاد کردن می‌باشد، دست زده‌اند و انتقاد از خود را به نوعی داستانهای پُرسروصدا تبدیل می‌کنند. برای مثال، نظری به گومزومولسکی پراودا بیندازید همه‌کس به خدمات شایسته این روزنامه در به وجود آوردن شرایط مناسب و تشویق به انتقاد از خود آگاه است. اما برای مثال به آخرین شماره که نگاه کنید در انتقاد آن از رهبران شورای کمیسیون مرکزی اتحادیه بازرگانی چیزی به جز یک سری کاریکاتورهای بی‌جا و ناوارد در مورد موضوع، پیدا نخواهید کرد؛ چه کسی احتیاج به این نوع "انتقاد" دارد؟ این سؤال را باید از نقطه نظر منافع کار ساختمان سوسیالیسم بررسی کرد و نه از نقطه نظر یک مشت شیاد که برای تفریح خود احتیاج به داستانهای شورانگیز دارند. البته همه نوع اسلحه، برای انتقاد از خود، مورد احتیاج است؛ منجمله "سواره نظام سبک اسلحه"، اما این بدان معنی نیست که سواره نظام سبک اسلحه را به سواره نظام سبک مغز تبدیل کنیم.

۳- بالاخره باید توجه کرد که بعضی ارگانهای ما تمایل پیدا کرده‌اند که انتقاد از خود را به جن‌گیری علیه مدیران بازرگانی تبدیل کرده و با استفاده از آن در صددند که این مدیران را در مقابل چشم طبقه کارگر بدنام سازند. واقعیتی است که بعضی از ارگانهای محلی در اوکراین و روسیه مرکزی، انتقاد از خود را علیه بهترین مدیران بازرگانی استفاده می‌کنند؛ مدیرانی که تنها گناه آنها این است که از اشتباه، صد در صد مصونیت ندارند. چه برداشتی می‌توان از تصمیمهای بی‌پر و پای این ارگانهای محلی درباره از کار برکنار کردن این مدیران داشت؛ به غیر از اینکه آنها بدنام کردن این اشخاص را در نظر دارند؟ چه استنباط دیگری می‌توان داشت وقتی که به مدیرانی که مورد انتقاد قرار گرفته‌اند هیچ‌گونه فرصتی برای جواب دادن به انتقادات وارده داده نشده است. ما از کی دادگاههای شیمی ساکا (***) را به عنوان انتقاد از خود می‌خواهیم به مردم تحمیل کنیم.

درست است که ما نمی‌توانیم خواستار باشیم که انتقادات همیشه صد درصد صحیح باشند و اگر انتقاد از پایین است، حتی اگر پنج یا ده درصد آن درست باشد. ما نباید آن انتقاد را ندیده بگیریم. ولی آیا این بدان معنی است که باید خواستار باشیم که مدیران بازرگانی ما صد درصد از اشتباه مصونیت داشته باشند؟ آیا تا به حال پدیده‌ای وجود داشته که صد درصد از اشتباه مصون بوده باشد؟ آیا درک این مطلب سخت است که سالهای سال وقت لازم است که ما بتوانیم کادریهای اقتصادی خود را تربیت کنیم و اینکه باید با آنها برخوردی با منتهای دلسوزی و همکاری داشته باشیم؟ آیا درک این مطلب سخت است که ما انتقاد از خود را برای بهتر کردن و کامل کردن کادریهای مسئول کار اقتصادی استفاده می‌کنیم نه به عنوان جن‌گیری علیه آنها.

از نقایص کار ما در ساختمان جامعه انتقاد کنید؛ اما شعار انتقاد از خود را به ابتذال نکشید و آنرا به خودشیرونیهای سبکی درباره مباحثی مانند "زدان تخت دونفری" و "گلوله‌ای که عوضی شلیک شد"، و غیره تبدیل نکنید.

از نقائص کار ما در ساختمان جامعه انتقاد کنید؛ اما شعار انتقاد از خود را بدنام نسازید و آن را به داستانهای خجالت‌آور کودکان تبدیل نکنید.

از نقائص کار ما در ساختمان جامعه انتقاد کنید؛ اما شعار انتقاد از خود را منحرف نکنید و آنرا به صورت اسلحه‌ای برای جن‌گیری علیه مدیران بازرگانی و مدیران دیگر در نیاورید. و مطلب اصلی: به جای انتقاد توده‌ای از پایین،

خیمه‌شب‌بازی "انتقاد" از بالا قرار ندهید. بگذارید توده‌های طبقه کارگر وارد کار شوند و خلاقانه ابتکار کار اصلاح
نقائص کار ما را در پیشبرد کار سازندگی در دست گیرند.

پیشگامان انقلاب

زیرنویس‌ها:

- ۱- کارل مارکس: هیجدهم برومرلوئی بناپارت، منتخب آثار، چاپ مسکو، ص ۳۳
- ۲- و. لنین: کلیات، چاپ روسی جلد هفتم، ص ۱۹۰
- ۳- مصوبات و تصمیمات کنگره‌های حزب کمونیست شوروی، قسمت دوم، ص ۳۹۰ (۱۹۵۳).
- ۴- "بی رزووگا" نام یک روزنامه بورژوائی بود که بی‌شرمی و فساد آن بی‌نهایت معروف بود. در اواخر سال ۱۹۱۷ این روزنامه به دست کمیته نظامی انقلابی تعطیل شد.

تذکرات:

- *- با تشکر از رفقای که این مقاله را جهت درج در سایت در اختیار ما گذاشتند.
- ** - در سال ۱۹۲۸ در منطقه "شاختی" سازمان زبانکاری بزرگی از کارشناسان بورژوازی کشف شد. زبانکاران شاختی با صاحبان پیشین، یعنی سرمایه‌داران روسی و خارجی و با مقامات جاسوسی نظامی خارجی روابط محکمی داشتند و مقصود آن‌ها مختل ساختن رشد صنایع سوسیالیستی و تسهیل اعاده سرمایه داری در اتحاد شوروی بود. زبانکاران به دادگاه جلب گردیدند و به کیفر شایسته اعمال خود رسیدند. "نقل از تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی ص ۴۷۰" این توضیح، در متن مقاله استالین نمی‌باشد.
- *** - دادگاه شیمی ساکا ، دادگاه بی‌عدالت را گویند. ریشه در یک داستان باستانی روسیه درباره یک قاضی به نام شیمیگا دارد.